

۹۱ / ۱۱ / ۳۰

جلسه ۶۷

صحیح و اعم

دوشنبه

سال سوم

صحیح و اعم (۲)

مقدمه پنجم : مراد از صحت و فساد چیست؟

صحت و فساد نزد همگان به یک معنی هستند = **به معنای تمامیت** (تمامیت اجزاء و شرایط)

سایر تعاریف، تعریف صحت به لوازم صحت است

فقها گفته اند صحت یعنی اسقاط قضاء / متکلمین گفته اند صحت یعنی موافقت شریعت

چرایی برگزیدن لوازم صحت به عنوان تعریف صحت:

برای هر کسی، یکی از لوازم صحت، مهم است و لذا همان را به عنوان تعریف برگزیده است

اختلاف لوازم همانند اختلاف مصادیق

اختلاف نظر به لوازم صحت همانند اختلاف مصادیق صحت به حسب حالات مختلف باعث تعدد معنای صحت نمی شود.

صحت و فساد، مفاهیم اضافی اند!

به این معنی که یک شیء ممکن است به حسب حالتی صحیح باشد ولی به حسب حالتی دیگر

مرحوم
آخوند



مقدمه ششم : مراد از صحت و فساد چیست؟

اگر یک نمازی از دیدگاه فقهی صحیح است ولی از دیدگاه عرفانی صحیح نیست از این جهت است که :
از دیدگاه فقهی تامّ است و از دیدگاه عرفانی ناقص است

نظر مرحوم آخوند درباره معنای صحت

ایشان صحت را به معنای «تمامیت من حیث الاجزاء و الشرایط» دانستند

نظر مرحوم بهبهانی درباره معنای صحت

ایشان صحت را به معنای «تمامیت من حیث الاجزاء» دانسته است

نظر مرحوم نائینی درباره معنای صحت

الف. در فوائد الاصول : هیچ اشاره به اینکه معنای صحت، تمامیت باشد، نمی کنند

ب. در اجود التقریرات : سخن مرحوم آخوند را به طور کامل پذیرفته است.

ما می
گوییم



مقدمه ششم : مراد از صحت و فساد چیست؟

نظر مرحوم بجنوردی درباره معنای صحت

ایشان صحت را به معنای «تمامیت شیء» تفسیر کرده است.

نظر مرحوم عراقی درباره معنای صحت

صحت به معنای «تمامیت در تحصیل غرض» است و فساد به معنای «نقصان در تحصیل غرض»

شاید مراد مرحوم عراقی آن است که :

لفظ صحت وضع شده است برای مفهوم واحدی که معادل است با تمامیت + وفای به غرض

ما
می‌گوییم
(۲)



اسقاط قضا و موافقت شریعت و غیر آنها از لوازم تمامیت نیستند

بلکه **مقوم حقیقت** تمامیت هستند

چراکه تمامیت یعنی تمامیت من حیث اسقاط قضا یا تمامیت من حیث موافقه الامر

و معلوم است که لازمه یک شیء نمی تواند متمم و مقوم ملزوم خود باشد

چیزی که آثاری دارد، آن آثار نمی توانند پدید آورنده آن چیز باشند

چراکه لازمه یک شیء معلول شیء است و لذا نمی تواند از علل آن شیء باشند

این قاعده در لوازم وجود می آید

چراکه لوازم ماهیت، معلول ماهیت نیستند بلکه مثل فصل نسبت به جنس می تواند هم آن را ایجاد کند و

هم لازمه آن باشد

اشکال

مرحوم

اصفهانی به

مرحوم

آخوند

اشکال

مرحوم

اصفهانی به

مرحوم

آخوند

اسقاط قضا و اعاده و موافقت شریعت، از آثار **تمامیت** هستند و نه از مقومات حقیقت تمامیت
چراکه : بدون عنایت به آثار هم می توان گفت این شیء تام است

احتمال اول در خلط محقق اصفهانی

خلط بین **تمامیت فی نفسه** یعنی تمامیت من حیث اجزاء و شرایط با **تمامیت به لحاظ مرحله امتثال**
تمامیت به معنای دوم جز با توجه به آثار واقعی ندارد ولی تمامیت به معنای اول، واقعیت دارد

احتمال دوم در خلط محقق اصفهانی

خلط بین **تمامیت واقعی و عنوان تمامیت**

چراکه مفهوم تمامیت یک مفهوم انتزاعی است که از قیاس شیء با آثارش به دست می و لذا ترتب اثر از
مقومات این مفهوم است. برخلاف تمامیت واقعی!
لفظ صلوة وضع شده است برای مصداق تمامیت که همان اجزاء و شرایط باشند. و روشن است که ترتب اثر
از مقومات تمامیت من حیث الاجزاء والشرائط نیست

اشکال

مرحوم

خویی به

مرحوم

اصفهانی

عقیده مرحوم خوئی در تبیین معنای تمامیت: ایشان بر این عقیده اند که تمامیت ۲ معنی دارد.
تمامیت به لحاظ اجزاء و شرائط، علت آثار است و نه معلول آن

اسقاط قضا مقوم تمامیت نیست

بلکه: یک شیء در خارج:

الف. اجزائی دارد = از وجود آن اجزاء مفهوم تمامیت را انتزاع می کنیم
ب. معلولی دارد = که معلول آن اجزاء است که همان اسقاط قضا است
پس: **تمامیت یک مفهوم انتزاعی است از اجزاء بدون عنایت به معلول**



اضافی بودن مفاهیم تمامیت و نقصان

یعنی توجه به چیزی دیگر معنی می شوند

یعنی (الف + ب) فی نفسه نه تام است و نه ناقص

بلکه در قیاس با اینکه آیا اثر لازم را دارد یا ندارد، به تمامیت و ناقصیت متصف می شود

دفاع مرحوم

روحانی از

مرحوم

اصفہانی



انتزاعی بودن مفهوم تمامیت - مقوم بودن اثر در مفهوم تمامیت

تمامیت یک امر انتزاعی است از قیاس یک شیء با اثری که از آن انتظار داریم پس «اثر» نمی تواند از لوازم تمامیت باشد چراکه مقوم تمامیت است

محل بحث کجاست؟

اینکه: شی فی حدّ نفسه نه تامّ است و نه ناقص = سخن درستی است

اینکه: تمامیت مفهومی انتزاعی از قیاس شیء با شیئی دیگر است = سخن درستی است

محل بحث = مقیاس، ترتیب اثر باشد



تصور تمامیت در دو حوزه

۲. حوزه مفاهیم

۱. حوزه مصادیق

حوزه اول : حوزه مصادیق

ملاک تام بودن: مصداقی تام است که در قیاس با طبیعت نوعیه اش تام باشد

اشکال به مشهور:

این حوزه همان است که با عنوان تمامیت به لحاظ آثار به آن اشاره شد
اما بر خلاف بزرگان تمامیت در اینجا از قیاس با طبیعت نوعیه انتزاع می شود

حوزه اول : حوزه مفاهیم

توضیح: یعنی اینکه طبیعت نوعیه در چه صورتی تام است و در چه صورتی ناقص

ملاک مرحوم خوئی: تمامیت به لحاظ اجزاء و شرایط است و اضافی نیست!

نکته: تمامیت در اینجا ، تنها صفت ماهیات اعتباری است نه مفاهیم حقیقی

سؤال: این مفاهیم اعتباری تمامیت از قیاس طبیعت نوعیه با چه چیزی انتزاع می شود؟

جواب: حق در این جا با مرحوم اصفهانی است و این تمامیت از قیاس طبیعت نوعیه با آثار انتزاع می شود

ما می گوئیم

(۲)